

مصباح اندیشه

▪ **هفته‌نامه افق حوزه** ▪ دوشنبه ▪ ۱۱ دی ۱۴۰۲ ▪ ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۵ ▪ ۱ ژانویه ۲۰۲۴ ▪ **شماره دوم**

حق‌مداری و مرزبانی از دین، تدریس، تحقیق و پژوهش در محورهای فقه، متافیزیک و فلسفه اسلام و فلسفه غرب، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، کلام و دین‌پژوهی، فلسفه اخلاق و اخلاق، فلسفه حقوق و سیاست، علوم اجتماعی، تفسیر و علوم قرآن، حاصل بیش از ۵۰سال دغدغه فکری، تأمل و ژرف‌کاوی علامه مصباح یزدی بوده است.

هفته‌نامه افق حوزه با همکاری جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، به مناسبت سومین سالگرد ارتحال فقیه و حکیم مجاهد آیت‌الله مصباح یزدی رحمته‌الله با انتشار ویژه‌نامه‌ای با عنوان «مصباح اندیشه» ناگفته‌های از شخصیت علمی و سیاسی درس‌آموز ایشان را در قالب برش‌های کوتاه و خواندنی، تقدیم خوانندگان ارجمند می‌کند.

از فیض گل

- آنچه در این عمر قریب به نود سال یاد گرفته‌ام، این است که «روح همه کمالات انسانی، بندگی خداست»؛ به عبارت دیگر، این‌که آدم بشناسد و اعتراف کند که من بنده‌ام و هیچ‌چیز از خودم ندارم و خدا، خداست و همه‌چیز از اوست.
- بهترین چیزی که می‌تواند انسان را در مسیر بندگی خدا پیش ببرد و موفق کند، رفیق خوب است. رفیقی که دیدنش شما را به یاد خدا بیندازد، سخن که می‌گوید بر علم شما افزوده شود، و رفتارش باعث شود شما به آخرت بیشتر رغبت پیدا کنید. اگر خداوند توفیق دهد و انسان چنین رفیقی پیدا کند، نود درصد بارش بسته شده است. در مقابل، رفیق بد هم آفت بزرگی است و با رفتار و گفتارش انسان را به شیطان، گناه، هوس‌ها و دنیاپرستی دعوت می‌کند.
- من هیچ کاری را سراغ ندارم که با عنایت حضرت معصومه علیها‌السلام حل نشود؛ هیچ کاری.
- اگر کسی شمه‌ای از معرفت به مقام امام رضا علیه‌السلام نصیبش شود؛ آن‌چنان لذتی می‌برد که هیچ‌گاه به حور و قصوراعتنایی نخواهد داشت.
- یک‌گریه بر امام حسین علیه‌السلام می‌تواند همه دردها را علاج کند؛ اما نه هر گریه‌ای؛ گریه‌ای که از روی معرفت باشد.
- اگر این روضه‌ها و امام حسین علیه‌السلام و ... نبود، ما اصلاً دین اسلام را از کجا یاد می‌گرفتیم؟! امام هم از روز اول گفت: این مراسم محرم و صفر را حفظ کنید؛ ما، ساخته این‌ها هستیم.
- مقام اهل‌بیت علیهم‌السلام، چنان مقام بزرگی است که بزرگی‌اش را با عقل و فکر خودمان نمی‌توانیم درک کنیم. در واقع عظمت خداست که در انوار پاک چهارده معصوم علیهم‌السلام تجلی کرده است. اگر همه انسان‌ها، عقل‌های‌شان را روی هم گذاشته، بخواهند پایه بلند این مقام را درک کنند، هرگز نخواهند توانست. همین‌قدر باید خوشحال باشیم که

ای‌کاش خدا را این‌گونه می‌دیدیم

روایت آیت‌الله مصباح یزدی رحمته‌الله از سابقه آشنایی و ارتباط با آیت‌الله‌العظمی بهجت رحمته‌الله



می‌خواستیم، از مادران می‌گرفتیم! موعظه‌های آقای بهجت، این‌طور بود. قصه‌ای یا حدیثی نقل می‌کردند و آن‌وقت گریز می‌زدند، به مسائلی که مربوط به رفتار ما بود. افسوس که ما خدا را به‌اندازه مادران قبول نداریم! همین‌طور گاهی در رابطه با یک مسئله سیاسی، جریانی را نقل می‌کردند؛ مخصوصاً آن زمان تأکید داشتند که اهتمام کنید، به نوشتن مسائل؛ مخصوصاً قضایای مبارزه و کارهایی که دولت میکرد و حملاتی که به فیضیه می‌کرد. ایشان خیلی اصرار داشتند که باید این‌ها را نوشت و منتشر کرد. ما آن اوایل، از ایشان انتظار نداشتیم که این مسائل را طرح کنند. طرح این مسائل از طرف ایشان، انگیزه‌ای شد که ما هم بیشتر در این فعالیت‌ها مشارکت داشته باشیم.

باز یادم هست، یک روز آقای بهجت، بعد از درس عصرشان، به من و آقای مسعودی گفتند: «شما باشید». ما ماندیم. چیز سابقه‌داری هم نبود. خلاصه، ایشان توسط ما به امام پیغامی دادند که «من فلان‌کس و فلان‌کس را می‌شناسم. این‌ها مورد اعتماد هستند. پیشنهادی دارند». اصل پیشنهاد هم ترور شاه بود. پیشنهادکنندگان، از فدائیان اسلام بودند؛ بعضی‌ها هم هم‌شهری آقای بهجت بودند. وقتی به امام گفتیم، امام فرمودند: «صلاح نیست.» اگر چنین کاری شده بود، متهم می‌شدند، به این‌که دستگاه ترورستی هستند.

و حفظ می‌کند.

- در میان زیارات ائمه اطهار علیهم‌السلام، زیارت سیدالشهداء علیه‌السلام، چیز دیگری است. خدا خواسته که آن‌قدر جاذبه داشته باشد که حتی کافری که به خدا معتقد نیست، به سیدالشهداء علیه‌السلام علاقه پیدا کند.

- عزت مؤمنان با اتحاد و همبستگی حول محور تقوا و صبر حاصل می‌شود؛ لذا تا زمانی که خدا را داریم و این همبستگی را رعایت کنیم، خدا نیز ما را رها نخواهد کرد، و اگر لازم باشد با امدادهای غیبی خود ما را یاری خواهد داد؛ اما اگر راحت طلب و به دنبال سازش بوده، ۳۵ سال مقاومت در برابر آمریکا را اشتباه دانستیم، یا برای مقاومت بر توان و تجهیزات خود متکی بودیم و نه خدا، او هم ما را رها خواهد کرد...

- اگر دین در جامعه کم‌رنگ شود، نظارت بیرونی هم کارایی نخواهد داشت؛ چرا که بازرس نیز با رشوه قابل خریدن خواهد شد؛ اما اگر دین بر جامعه حاکم شد، فرد هرگز به فکر کلاهبرداری و تخلف نخواهد بود و رعایت قوانین کشور اسلامی را واجب شرعی خواهد دانست... اگر مردم تقوا را کنار بگذارند، از دشمن چنان شکست سختی می‌خورند که حتی جبرائیل و میکائیل هم نمی‌توانند آن‌ها را یاری کنند؛ لذا باید مبانی دینی را تقویت کنیم.

آشنایی بنده با آیت‌الله بهجت، از سال‌های اوّلی که آمدم قم، شروع شد. همان زمان اطلاع پیدا کردیم که ایشان از نظر علمی و اخلاقی و معنوی، بسیار برجسته هستند. آن سال‌ها، اشپخ‌علی پهلوانی (مرحوم سعادت‌پور) که در مدرسه حجتیه حجره داشتند،

سحرها به حرم می‌رفتند و ما را هم بیدار می‌کردند و هر شب با هم به حرم می‌رفتیم. آن‌وقت‌ها غالباً در راه، به آقای بهجت هم برخورد می‌کردیم و همین رفتن و برگشتن، زمینه‌ای شد که رابطه ما با آقای بهجت بیشتر شد. تا این‌که فهمیدیم، ایشان از شاگردان آقای قاضی بوده و دارای مقام‌های عالی هستند. حتی آقامصطفی، آقازاده مرحوم امام، از پدرشان نقل می‌کردند که حضرت امام علیه‌السلام تصدیق می‌کردند که آقای بهجت، این مقام‌ها را دارند. قهراً ما هم دوست داشتیم، از چنین شخصی استفاده کنیم؛ علاوه بر این‌که از نظر علمی هم شنیده بودیم، خیلی برجسته هستند؛ ولی کسی را به‌آسانی نمی‌پذیرفتند. از سوی دیگر، ما برای تقویت بنیه فقهی خودمان دوست داشتیم، با استادی سرکار داشته باشیم که بتوانیم، از نزدیک تماس برقرار کنیم. این بود که تصمیم گرفتیم، از آقای بهجت بخواهیم درس فقه شروع کنند و به این بهانه، بتوانیم از خصوصیات اخلاقی ایشان استفاده کنیم؛ لذا رفتیم خدمت ایشان و ایشان هم پذیرفتند و کتاب طهارت را شروع کردند.

ابتدا در یکی از حجرات مدرسه فیضیه بود. پس از مدتی، درس را به مدرسه خان یا همان مدرسه آقای بروجرودی علیه‌السلام منتقل کردیم و چند سال هم آنجا بود. بعد ایشان مبتلا شدند به کسالت و برایشان سخت بود، از پله‌ها بالا بیایند؛ لذا مجبور شدیم، درس را در منزل مزاحم شویم. بنده کتاب طهارت و کل مکاسب را در خدمت ایشان بوم که مجموعاً حدود پانزده سال طول کشید و از نظر علمی و دقت نظر، واقعاً ممتاز بودند.

ایشان غالباً پیش از درس، به‌مناسبت –گاهی هم مناسبتش را درک نمی‌کردیم – ابتدا ناآ یا ارتجالاً حدیثی می‌خواندند یا داستانی نقل می‌کردند و در ضمن آن، مطالب اخلاقی و دینی مورد نظرشان را به مخاطب می‌فهماندند. عجیب این بود که مطالب ظاهراً بی‌ربط و بدون مناسبت به‌نظر می‌رسید؛ اما چیزهایی بود که سازندگی داشت؛ کانه اشارتی داشت، به مسائلی مربوط به افراد که خود آن‌ها درک می‌کردند و گه‌گاه به با خیره شدن در چشم طرف، به او می‌فهماندند که دارم به تو

آیت الله محمود رحبی؛ رییس مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله

نقش علامه مصباح یزدی در مهندسی فرهنگی کشور



این منظومه عناصر را جایگزین کردند و مستند و مستدل ساختند.

این یک خلأ جدی در حوزه علمیه بود که فرهنگ اسلامی را در قالب نظام عرضه کنیم ولی علامه مصباح یزدی این کار را به‌ثمر رساندند. ایشان برای اینکه این نظام منقطع نشود اقدام به تربیت شاگردانی کردند که تداوم‌بخش این حرکت باشند و در همین راستا در حیات مبارکشان بحث شورای سیاست‌گزاری علوم انسانی را دنبال کردند و در حوزه فرهنگ عمومی نیز با تاسیس مرکز آموزش‌های بنیادین برای تعلیم این میانی به استادان و نخبگان گام برداشتند و بالاآز آن وارد مهندسی فرهنگی و زمینه‌سازی برای جهت‌دهی به افکار عمومی و حرکت عمومی جامعه شدند.

علامه مصباح یزدی رحمته‌الله هم توانست در عرصه مهندسی فرهنگ، فرهنگ اسلام را مهندسی کنند و هم در عرصه مهندسی فرهنگی جامعه‌راکه مورد‌تهاجم شدید دشمنان اسلام قرار گرفته بود با این فرهنگ آشنا سازد و این توطئه‌ها را نقش بر آب کند. این نظامی که علامه مصباح یزدی توانستند طراحی‌کنند از ویژگی‌های ممتازی برخوردار است که اولاًناظر به همه اقشار جامعه بود وثانیامتنصر به مباحث اندیشه بنیادین‌نشد ووارد عرصه‌های دیگر اندیشه اسلامی نیز شد.

مولفه‌های فرهنگی اسلامی را به دست آورده بودند، لذا این مجموعه را در قالب یک نظام عرضه کردند؛ سیستمی که شامل عناصر کلیدی اسلام بود و هر یک از این عناصر سر جای خودش قرار داشت. این سیستم ناظر به تهاجمات و نقص‌ها نیز بود و در عین حال هماهنگ با نظام تفکر قرآنی بود. اساسا توحیدمحوری روح این نظام را تشکیل می‌داد. بااین حال علامه مصباح یزدی در حوزه تخصصی، علوم انسانی رایج را مورد توجه قرار داده بود و پاسخ شبهات و نقد اندیشه‌های نادرست را در این مجموعه عرضه کرد.

- حرکت علامه مصباح بر اساس روش‌شناسی دقیق**
- نکته مهم دیگر در مهندسی فرهنگ، نشان دادن بی‌بنیان بودن اندیشه غرب و شرق بود. باز نکته مهم‌تر اینکه ایشان مبتنی بر روش دقیق و متتفق عمل می‌کردند یعنی در فهم معارف قرآن به صورت تفسیر موضوعی نهایت دقت را در حفظ اصول و مبانی روش فهم قرآن در نظر داشتند و آن را عرضه کردند. ایشان در همین مجموعه با دقت و موشکافی اندیشه‌های ناب قرآنی را استخراج کردند چنانکه در بعد عقلانی هم روش محکم و مستحکمی که در کتاب «آموزش فلسفه» ارائه کرده بودند را در پیش گرفتند و در

مهندسی فرهنگ یعنی سامان دادن و در قالب نظام درآوردن فرهنگ و مهندسی فرهنگی شکل دادن و مدیریت جامعه بر اساس فرهنگ است. علامه مصباح یزدی رحمته‌الله در هر دو حوزه نقش ممتاز داشتند برای اینکه فرهنگ را مهندسی کنیم باید ابتدا فرهنگ موجود را خوب بشناسیم و آسیب‌های آن را درک کنیم و با توجه به نواقص و آسیب‌ها، فرهنگ مطلوب که جامعه را در برابر تهاجمات فرهنگی مصون‌سازی می‌کند و جامعه‌را برای رشد و ارتقا تغذیه می‌کند ترسیم کنیم.

- ضرورت عرضه فرهنگ اسلامی در قالب نظام**

اسلام فرهنگی غنی است که جوامع اسلامی از آن برخوردار هستند. برای اینکه این فرهنگ در برابر تهاجمات بیگانه بتواند استوار بماند و نقش پویای خودش را ایفا کند نیاز داریم این فرهنگ را در قالب نظام عرضه کنیم. آیت‌الله مصباح یزدی رحمته‌الله در آغاز دوره معارف قرآن خود متذکر این نکته شدند که امروز فرهنگ‌های دیگر برای مقابله با فرهنگ اسلام آرمان‌ها و ارزش‌های خودشان را در قالب نظام عرضه می‌کنند و ما هم باید بتوانیم ارزش‌های اسلامی را در قالب نظام عرضه کنیم.

اگر بخواهیم فرهنگ اسلامی را در قالب نظام عرضه کنیم در گام نخست باید عناصر کلیدی فرهنگ اسلامی را استخراج کنیم و در گام بعد هماهنگی و انسجام بین این مفاهیم را تبیین کنیم به گونه‌ای که با حرکت هر کدام از آنها هدف اصلی اسلام که سعادت انسان است تضمین شود. علامه مصباح یزدی با فکر متعالی خودش به خوبی فرهنگ جامعه را شناخته بودند و روزه تهاجم فرهنگ شرق و غرب را شناسایی کرده بودند و از این طرف سال‌ها در مکتب امام خمینی علیه‌السلام و علامه طباطبایی علیه‌السلام با فرهنگ اسلامی آشنا شده بودند و